

## بسمه تعالی

### تحلیل ژئوپلیتیکی سناریوهای محتمل درباره برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

از دکتر محمدرضا حافظ نیا، مهر ۱۳۹۶

در بیانی ساده، حاکمان ناشی و کله شق، جز تخریب ره آورد دیگری ندارند. این حکمی فراگیر و جهان شمول است که تجارب آن در دنیا کم نیست. البته پارادایم رایج دموکراسی بروز چنین پدیده هایی را محتمل می کند.

کردارهای ترامپ اینگونه است که آمریکا را به سوی تخریب پیش می برد و این خبر خوبی برای سایر ملت ها و دولت هاست. گویی ایالات متحده آمریکا به دوران کهولت خود رسیده است. قرار گرفتن این گونه افراد در قدرت، ایجادکننده نوعی باور کاذب در آنان است که این ها مظهر قدرت اند و هر تصمیمی که بگیرند قابل اجراست و توهمی در آنان شکل می گیرد که همه باید از آنها پیروی کنند و باید آنان را همراهی کنند و این توهمی خطرناک است. غرور قدرت آنان را فرا می گیرد و این شروع زوال است. هانتینگتون اصطلاح «تکبر آمریکایی» را به کار می برد. وی می گوید آمریکا را تکبر آمریکایی ساقط خواهد کرد. نمی گوید قدرت های دیگر ایالات متحده آمریکا را از پای درخواهند آورد؛ می گوید تکبر آمریکایی بزرگ ترین دشمن آنان است. این تکبر در سیستم آمریکا نهادینه شده است. اکنون در رفتار و حرکات ترامپ هم می شود این تکبر را دید. فکر می کند همه باید تابع وی باشند. تصمیم می گیرد که برجام را پاره کند و انتظار همراهی و تبعیت سایرین را دارد!

گاهی اوقات چنین انسان‌هایی مقبول ملت‌های خود می‌شوند. رأی می‌آورند و اینها رویکردشان تخریب است تا ساختن. با وجود اتاق‌های فکر و مراکز مشاوره راهبردی، این افراد توجهی به نظرات آنها ندارند و کسی جز خود را قبول ندارند.

به عنوان فردی که رشته تخصصی‌اش جغرافیای سیاسی است؛ تکرار می‌کنم؛ آدم‌های ناشی و کله‌شق اگر در قدرت و سیاست قرار بگیرند ویرانی به بار می‌آورند.

واژه پوپولیست واژه دقیقی برای این افراد نیست؛ چون همه سیاست‌مداران به نحوی پوپولیست هستند. در تمام دنیا. زیرا اگر سیاست‌های پوپولیستی در پیش نگیرند؛ رأی نمی‌آورند! افکار عمومی را باید جلب کرد. عوام‌گرایی ضرورت دموکراسی است. با رأی نخبگان که کسی رئیس جمهور نمی‌شود! رأی عوام مورد نیاز است. اگر رأی آنها برگردد بازیگر از گردونه قدرت بیرون می‌افتد. پس تمام بازیگران سیاسی که در پروسه کسب قدرت دموکراتیک قرار می‌گیرند به عوام‌گرایی مبتلا می‌شوند.

من در آغاز کار بر سیاست اتمی ایران نقد ژئوپلیتیکی داشتم و امروز را می‌دیدم و هیچ‌گاه صریحاً از آن حمایت نکردم. البته قائل به ضرورت فناوری اتمی شدن ایران هستم و ایران چاره‌ای ندارد مگر اینکه قدرت اتمی شود؛ ولی نه با این سیاست و از این راه. راه اشتباه بوده ولی چون گذشته و از حیض انتفاع ساقط شده، بیان آن محلی از اعراب ندارد و فرصت‌ها گذشته‌اند.

الان در وضعیتی قرار داریم که «دوفاکتو» نام دارد. به نوعی حالت گذار. در این وضعیت دوفاکتو دولت آمریکا قصد بیرون رفتن از سیستم برجام را دارد؛ خیلی هم جدی خروجش را اعلام می‌کند - البته مقدار عملی و واقعی بودن این ادعایش معلوم نیست. ولی اعلام جدی و موضع کنونی آن برمی - گردد به همان تکبر قدرت.

در شرایط کنونی چند سناریو متصور است:

برجام هشت رکن دارد: روسیه، چین، آلمان، فرانسه، بریتانیا، اتحادیه اروپا، ایران و آمریکا. اینها هشت عنصر اصلی توافق برجام هستند.

باید تأکید کرد که کشورهای آلمان و فرانسه در این سیستم دو جایگاه و نقش دارند. یک جایگاه و نقش، تحت عنوان شخصیت ملی کشورشان است و جایگاه دیگر به عنوان عضو اتحادیه اروپا.

در شخصیت حقوقی، تابع اتحادیه اروپا هستند و سخنان در آن جایگاه از زبان خانم موگرینی قابل استماع است. به عنوان نماینده ۲۷ کشور اروپایی.

فرانسه از طرف خودش حرف میزند؛ ضمناً ملزم به هماهنگی با خانم موگرینی هم هست.

البته همه اینها جزو سیستم غرب هستند که رهبری آن نیز با ایالات متحده آمریکاست. از این جهت است که آمریکا توقع همراهی آنها را دارد.

**سناریوی نخست** این است که اگر ایالات متحده آمریکا از سیستم برجام خارج شود؛ سایرین هم از برجام خروج کنند و برجام منحل شود؛

انحلال برجام با خروج آمریکا، از نظر ژئوپلیتیکی یعنی تثبیت موقعیت هژمونی ایالات متحده آمریکا؛ یعنی پیامی خوب برای ایالات متحده آمریکا و پیامی بد برای سایرین؛ از جمله ایران. یعنی آمریکا در جایگاه سلطه جهانی و نظام تک قطبی تثبیت شده، و همچنان اقتدار و تکبر قدرت امتداد خواهد یافت و راهش در ادامه پر قدرت تر دنبال می شود. یعنی هژمونی و سلطه و مطابعت. حتی روسیه و چین و اتحادیه اروپا و همه. این نشان دهنده قدرت برتر ایالات متحده خواهد بود و قدرت آمریکا در تعبیری ژئوپلیتیکی بازساخت می شود. این پیام بدی برای جهانیان است که باید سلطه ایالات متحده آمریکا را کماکان بپذیرند و سرباززدن از تصمیم آن مستوجب تنبه است. مبصری که گوش خاطمی را می-پیچاند.

**سناریوی دوم** این است که ایالات متحده آمریکا بپذیرد که در برجام بماند؛

این پیام بدی برای آمریکا خواهد بود. زیرا عقب‌نشینی از مواضع خواهد بود و حیثیت آن در سیستم سیاسی و ژئوپلیتیکی جهانی مخدوش شده و سایرین اطاعت‌پذیری محض از آمریکا نخواهند داشت. مثل فرد پر قدرتی که دچار ضعف قدرت شده و در مجموعه کشورها تحقیر شده است. یعنی کاهش یا سقوط منزلت ژئوپلیتیکی در سیستم جهانی. این پیام بدی برای ایالات متحده آمریکا خواهد بود و پیام خوبی برای سایرین. پیامی خوب، ولی ضعیف.

**سناریوی سوم** اینکه آمریکایی‌ها از سیستم خارج شوند ولی سایرین نه، و برج‌ها پابرجا بمانند؛

در این صورت این پیامی خوب و قوی برای جهانیان است و پیام بسیار بدی برای ایالات متحده آمریکا. چون نشان از حرکت آمریکا به سمت ایزوله شدن دارد. بقیه اطاعت و تبعیت نکرده‌اند. موقعیت برتری تو را نپذیرفته‌ایم. یعنی به قدرت و غرور ایالات متحده آمریکا بی‌توجهی شده است و این پیام بسیار خوبی برای سیستم است که بیانگر حرکت سیستم جهانی به سمت نظام چندقطبی است. نظام تک‌قطبی، بعد از یک ربع قرن و پس از پایان جنگ سرد به این سو منقضی می‌شود. این پیام بسیار خوبی است و یک تغییر نظام ژئوپلیتیک جهانی است.

در همه این سناریوها مواضع جمهوری اسلامی ایران باید حفظ دقیق و محکم برج‌ها باشد. چون چاره‌ای ندارد. نباید بهانه‌ای دست آنها بدهد تا برج‌ها سقوط کند. همانطور که گفتم نسبت به برج‌ها نقد اصولی دارم؛ ولی در وضعیت موجود که حالت دوفاکتو است، به نظر من ایران باید محکم پای برج‌ها بایستد و همه باید حمایت کنند؛ چون برج‌ها بهانه تعیین کردن سرنوشت جهان است. نقطه عطف تاریخی در سرنوشت نظام ژئوپلیتیک جهانی.

پس از منظر ژئوپلیتیکی در جمع بندی سه سناریوی نخست می‌توان گفت:

- اگر ایالات متحده آمریکا از برج‌ها خارج شود و سایرین مطابعت کنند؛ این پیام خوبی برای آمریکا و پیام بسیار بدی برای جهانیان است.

- اگر آمریکا خارج شود و بقیه در برجام بمانند؛ این پیام بسیار خوبی برای جهانیان و پیام بسیار بدی برای آمریکاست. و نظام جهانی از حالت تک قطبی به حالت چند قطبی حرکت خواهد کرد و دنیا تا حدی از شر ایالات متحده آمریکا نجات پیدا می کند.
- اگر آمریکا بدون هیچ پیش شرطی در سیستم بماند؛ پیام ضعیف بدی برای آمریکا و برای سایرین پیام ضعیف خوبی تلقی می شود. زیرا منزلت ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا افت کرده است.

**اما حالت آخر** این است که آمریکا در گرو شرایطی در برجام بماند. پیش بینی من این است که عقلانیت ژئوپلیتیکی آمریکایی ها، آنان را به سمت این راهبرد سوق دهد. یعنی مصالح و منافع ایالات متحده آمریکا سبب می شود که ترامپ را وادار کنند تا به صورت مشروط در برجام بماند.

این حالت مشروط برای ایران حامل پیام بدی است. برای ایالات متحده آمریکا پیام خوبی است. یعنی ما می مانیم ولی باید فضای گفتگو ادامه پیدا کند؛ برجام اصلاح شود و این موضع، متحدین ایالات متحده آمریکا را در سیستم غرب جذب خواهد کرد و با اتخاذ این موضع آمریکا موقعیت هژمونیک خود را تداوم خواهد بخشید و سپس آلمان و فرانسه و اتحادیه اروپا ناگزیر خواهند شد تا با ایالات متحده آمریکا کنار بیایند.

پیش بینی من این است که آمریکا از سیستم خارج نشود ولی با آن بازی کند. وقتی می گوید به صورت مشروط می مانم یعنی بقیه را وادار به متابعت از خود می کند.

ایران در هر حالت ناگزیر از این است که برجام را محکم و با همین ترکیب کنونی حفظ کند و اگر قرار است مذاکره جدیدی انجام شود باید در قالب و موضعی جدید دنبال گردد. و نه برجام.

مواضع ایران در همه این سناریوها باید ماندن در برجام، محافظت از آن و ادامه برجام باشد. باز کردن روزنه مذاکره مجدد در برجام نباید دنبال شود. هر مسئله ای است باید در قالب موضوعات جدید و در پرونده ای دیگر دنبال گردد.